

نگاه سبز

این زمین ریشه و هم خویش من است

مهرداد مسیبی

■ اخیرا بررسی لایحه جامع منابع طبیعی و آبخیزداری و خاک در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.
خاطر مبارک‌تان باشد سال گذشته موضوع این لایحه با این مساله رسانهای شد که آنچه مدنظر کمیسیون کشاورزی مجلس بوده با آنچه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری مصوب کرده بود، تفاوت فاحشی داشت و آنچه در صحن علنی به رای گذاشته شد، نقطه‌نظرات کارشناسان منابع طبیعی نبوده بلکه گیر و گرفتاری‌های روسای جهاد کشاورزی استان‌ها در رفع و رجوع پرونده‌های شخم و تخلّف و معطله در دادگاه‌ها بود.

علت بازپس‌گیری لایحه در شهریور سال ۹۰ نیز به دلیل ادغام لایحه خاک و منابع طبیعی بود که موجب بازگرداندن این لایحه توسط دولت شد. پس از اینکه لایحه توسط دولت از مجلس پس گرفته شد، مقرر شد مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد که این لایحه زمانی به دست رده‌های کارشناسی رسیده که همزمان در کمیسیون‌های مجلس در حال رای‌گیری و تصویب قرار دارد؛ برخی از مواد این لایحه همانند ماده ۷ و ۲۳ همان مواد ۶ و ۲۰ لایحه قبلی بوده و تنها ادبیاتی متفاوت پدید آمده‌است؛ دیگر تبصره‌های موجود در بند ۷، صرفا با هدف بذل و بخشش منابع طبیعی و مختومه کردن پرونده‌های تخلّف در دادگاه‌ها به نفع متصرّفان و متخلفان است و اجازه می‌دهد تا دیگر بخش‌های باقیمانده از عرصه‌های منابع طبیعی نیز به تاراج رود چراکه سازمان اگر در سال‌های قبل نتوانسته جلوی تجاوزات را بگیرد، قطعاً پس از سال ۹۰ نیز نخواهد توانست چنین کاری انجام دهد چراکه نیروهای این سازمان طی



دهه گذشته روند نزولی داشته و معلوم نیست با کدام اهرم نیرو این شعارهای خفته در لایحه اجرایی خواهد شد؟!

شباهت ماده ۷ با مسایل جاری زندگی به این می‌ماند که اعلام کنیم هر تخلّف منجر به قتل، جنایت، دزدی، سرقت و... تا پایان سال ۸۹ بخشیده خواهد شد و از این پس هرکس خواست چنین تخلفاتی انجام دهد برابر قانون و توسط نیروهای نظامی با او برخورد خواهد شد. تنها تفاوت این مثال این است که در بزهکاری‌های جاری شاید نتوان استنادی تهیه کرد و زمان را به عقب برگرداند اما در تخریب و شخم شبانه این کار به راحتی انجام شده و نمی‌توان ثابت کرد این تخریب‌ها مربوط به چه زمانی است. یکی از همین متصرّفان به واسطه یکی از همکاران گفته بود منتظریم این مواد تصویب نشود تا نه‌تنها پرونده ما بسته شود بلکه ادامه اراضی مرتعی را هم شخم زمین!

دیگر بندهای این لایحه همچون ماده ۸ نیز چنان ابتدایی تحریر شده که هر کارشناسی قادر خواهد بود متوجه شود که ابلاغ تشخیص منابع ملی و مستثنیات توسط شورای اسلامی و اخذ رسید از همه مردم کاری غیرممکن است. در بند ۹ عملا تنبیه مالکیت دولت بر منابع طبیعی متزلزل خواهد شد چراکه در خصوص موارد اختلافی عرصه‌های ملی و مستثنیات وقتی به اعتراضات در ماهه واحده رسیدگی شده و قاضی رای صادر کرده است، چه دلیلی وجود دارد تا ابزاری فراهم کنیم تا این ثبات را به هم زده و موجب تنش بین مردم و دولت در رسیدگی به این اعتراضات جدید بر سر ملی بودن یا مستثنیات اراضی شویم؟

در ماده ۲۳ که همان ماده ۲۰ لایحه قبلی است مراتع خیلی فقیر، بیابانی و کویری کشور در یک دسته‌بندی قرار گرفته و مقرر شده جهت سرمایه‌گذاری به صورت رایگان بخشیده شود. خاطراتان باشد سابقا به‌طور کامل عنوان شد که هر یک از این اراضی دارای تعاریف خاص خود بوده و متولی خاص خود را دارد. همین تفاوت زیاد بین تعاریف مراتع خیلی فقیر با کویر و آوردن این دو کلمه در کنار هم کافی است تا ثابت کند نگارش این مواد خیلی بی‌حوصله و خیلی غیرنهی نگارش شده است. اگر کارشناسان منابع طبیعی اکنون صدا برنیاورند و این تفکرات سطحی که صرفاً با هدف رسیدن به خواسته‌های روسای جهاد کشاورزی است را خنثی نکنند فردا روز یک متر هم از منابع طبیعی کشور باقی نخواهد ماند. خاطراتان باشد که هنگام نگارش این متن چندین بند از مواد آن ظاهرا توسط نمایندگان مجلس در کمیسیون‌ها مصوب شده و اگر تعطیلات پیش‌رو یاری کند، برگ برنده به نفع تصویب لایحه پیش خواهد رفت. روسای انجمن‌های ۹گانه علمی کشور؛ به داد منابع طبیعی برسید. روزنامه‌نگاران و اهل قلم به داد مراتع، بیابان‌ها، و کویرهای وطن برسید.

■**کارشناس منابع طبیعی**

موضوع آلودگی هوای ایران ناشی از ورود ریزگردهای مملو از اورانیوم ضعیف شده در چند روز گذشته یکی از مناقشات جدی مجلس و سازمان محیط‌زیست بود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی که عمدتا توصیه‌ها و هشدارهای زیست‌محیطی‌شان در چندماه گذشته به بحث ریزگردها و خشک شدن دریاچه ارومیه و بی‌تفاوتی سازمان محیط‌زیست به این موضوعات ختم شده حالا کمی پا را فراتر گذاشته و از ورود ذرات اورانیوم ضعیف شده همراه با ریزگردها به کشور سخن می‌گویند. اگرچه این نخستین بار نیست که چنین هشداری داده می‌شد اما طرح موضوع از سوی چند نماینده مجلس در چند روز گذشته و به دنبال آن تکذیب و انکار رییس سازمان محیط‌زیست موجب شد تا این پرسش مطرح شود که اگر براساس ادعای عالی‌ترین مقام اجرایی محیط‌زیست کشور مطالعات صورت گرفته وجود اورانیوم را تایید نمی‌کند پس چرا این مطالعات به طور گسترده در اختیار عموم قرار نمی‌گیرد و منتشر نمی‌شود؟ آن هم در حالی که دو نفر از استادان دانشگاه شهید چمران اهواز در مقاله‌ای وجود اورانیوم در ذرات گرد و غبار خوزستان را تایید کرده‌اند.

■ ■ ■

نخستین هشدارها درباره ورود ذرات آلوده به اورانیوم ضعیف‌شده به کشور دو سال قبل توسط محمد مهدی شهریاری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی عنوان شد. این نماینده مجلس با اشاره به اظهارات مقامات دولت آمریکا که اعلام کرده بودند «خطر اورانیوم ضعیف شده در منطقه تنها یک تئوری توطئه است»، خواستار اقدامات فوری برای مقابله با این پدیده در کشورمان شده بود. او از استفاده ارتش آمریکا از مقادیر زیادی سلاح و مهمات آلوده به اورانیوم ضعیف شده به میزان ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تن در طول جنگ سه هفته‌ای در عراق در سال ۲۰۰۳ سخن گفته و هشدار داده بود که هر گونه سکوت در این مورد می‌تواند یک فاجعه انسانی در کشور ایجاد کند. به گفته او، ذرات آلوده به اورانیوم از طریق باد، خاک و هوای ایران را تحت‌تاثیر آلودگی قرار داده و این امر می‌تواند سلامت مردم را تهدید کند. حالا پس از دو سال نماینده اندیشک در مجلس ادعا می‌کند که «در زمین‌های عراق اورانیوم ضعیف شده وجود دارد و ورود آنها به کشور تبعات خطرناکی خواهد داشت اما سازمان محیط‌زیست تاکنون هیچ اقدامی برای مقابله با این مشکل انجام نداده است.»

اما آیا به‌راستی خاک عراق آلوده به اورانیوم ضعیف شده است و این آلودگی می‌تواند به ایران هم منتقل شود؟ اگرچه دولت آمریکا این موضوع را یک توطئه تلقی می‌کند اما اعترافات مقامات انگلیسی و مطالعات چیز دیگری می‌گوید. وزارت دفاع انگلیس چند ماه پس از اظهارات مقامات آمریکایی اعلام کرد نیروهای آمریکایی و انگلیس در جریان حمله سال ۲۰۰۳ به عراق از اورانیوم ضعیف‌شده استفاده کرده‌اند. اعتراف انگلیس به استفاده از اورانیوم ضعیف‌شده در جنگ عراق در حالی منتشر شد که وزارتخانه‌های علوم، بهداشت و محیط‌زیست عراق اعلام کرده بودند مردم نزدیک شهرهایی نظیر نجف، بصره و فلولجه طی پنج سال گذشته آمار بالایی در ابتلا به سرطان و تولد نوزادهای ناقص‌الخلفه داشته‌اند براساس گزارش‌ها، بیش از ۴۰ شهر عراق آلوده به تشعشع بالاست. هر چند تاکنون هیچ مطالعه مدون و مستقل قابل تائیدی در این‌باره صورت نگرفته ولی برخی مطالعات پراکنده که توسط کارشناسان عراقی و برنامه محیط‌زیست سازمان ملل انجام شده است این ادعا یعنی آلودگی خاک عراق به اورانیوم ضعیف شده را تایید می‌کند. بنابراین چندان دور از انتظار نیست که با وزش باد و حمل ریزگردها به آسمان ایران مقادیری هم از ذرات اورانیوم موجود در خاک به ایران برسد. با این حال شدت و مدت این آلودگی تنها به انجام مطالعات گسترده در کشورمان بستگی دارد اما موضوع قابل انکاری نیست!

ارزیابی سازمان ملل از مصرف اورانیوم در جنگ خلیج‌فارس

آلودگی و تخریب محیط‌زیست ناشی از وقوع جنگ‌ها بدون شک یکی از جدی‌ترین تهدیدات طبیعت و حتی بهداشت عمومی در برخی مناطق جهان است. از این رو برنامه محیط‌زیست سازمان ملل بر آن شد تا یک ارزیابی را برای نخستین بار در سال ۲۰۰۰ از عواقب زیست‌محیطی جنگ‌های ویرانگر از جمله جنگ خلیج‌فارس، بوسنی و هرزگوین و بالکان و کوزوو، صربستان و مونه‌نگرو به عمل

دولت، حداقل، در بخش محیط‌زیست و منابع طبیعی کم‌توجهی می‌کند و این موردی است که نه جای تقدیر دارد، نه تشکر. در اینجا من به صدها و صدها هکتار زمینی نمی‌پردازم که در اقصا نقاط کشور همینطور و (البته با مجوز) واگذار می‌شود و کاری به تصرفات غیرقانونی هم که را ارضی ملی، پارک‌ها، مناطق حفاظت‌شده و ذخیره‌گاه‌ها می‌شود، ندارم. مساله من مظلوم‌ترین، بی‌زبان‌ترین و ستم‌دیده‌ترین ساکنان کشور یعنی حیوانات هستند. این‌ها به‌نمن بخش فروخته می‌شود و ظاهرا هیچ قصدی هم برای بالا بردن قیمت آنها وجود ندارد. جدا از اینکه بسیاری از خریداران حتی قیمت‌های مصوب را هم نمی‌پردازند و سالیان دراز است با خیالی آسوده و بدون احساس هیچ‌گونه مزاحمتی این زبان‌بسته‌ها را گروه گروه به چنگ می‌آورند، می‌کشند، به سیخ می‌کشند. صادر می‌کنند و هزاران بلای دیگر بر سرشان می‌آورند. از سوسمار و آفتاب‌پرست نیپوچی گرفته تا کل و بز چنده‌کلیویی، کبک و هوبره و تیهو و قرقاول و دراج که جای خود دارد و سال‌هاست کشتار آنها از حد خطرناک و خط قرمز هم گذشته و به ماواری قرمز رسیده است. کار به جایی رسیده که افرادی در جای جای کشور برای تفتن و از سر بی‌خیالی خرس و سیاه‌گوش و کاراکال شکار می‌کنند و آنچنان

محیط‌زیست

برنامه محیط‌زیست سازمان ملل وجود «اورانیوم ضعیف شده» در بیابان‌های جنوب عراق را تایید کرد

آلودگی «ریزگردها» از انکار تا واقعیت

مژگان جمشیدی



آورد. در این میان بررسی میزان اورانیوم رقیق شده در منابع آب و خاک نیز یکی از بخش‌های این مطالعه بود. اورانیوم ضعیف شده یا DU یک فلز سنگین سمی است که اگرچه میزان رادیواکتیو آن کم است اما به راحتی می‌تواند آب و خاک و هوا را آلوده کند. این فلز متراکم به عنوان یک ماده محافظ در ساخت تجهیزات نظامی همچون تانک‌ها و زره‌پوش‌های ارتش کاربرد دارد و بعضاً در ساخت برخی مهمات جنگی هم به کار می‌رود.

براساس این گزارش پیامدهای بهداشتی ناشی از آلودگی با اورانیوم ضعیف شده به فاکتورهایی همچون اندازه ذرات، میزان حلالیت و میزان و مدت زمان قرار گرفتن در معرض آلودگی متفاوت است. اورانیوم ضعیف شده نه تنها سطح خاک که حتی می‌تواند در اعماق خاک هم نفوذ کند و منجر به آلودگی آب و پوشش گیاهی شود و از سوی دیگر با وزش باد به هوا برخاسته و مناطق سالم را هم آلوده کند. لذا این مطالعه با همکاری سازمان بهداشت جهانی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای تعیین خطرات بالقوه اورانیوم ضعیف شده در کوتا‌مدت و بلندمدت روی سلامت و بهداشت عمومی صورت گرفت.

نتایج حاصل از این مطالعه در بالکان نشان داد نخست اینکه میزان اورانیوم در عمق خاک در مقایسه با هفت سال قبل حدود ۲۵درصد افزایش یافته بود اگرچه این میزان در خاک سطحی کاسته شده بود. همچنین در یکی از ۱۵ سایت مورد بررسی در منطقه بالکان آلودگی آب به اورانیوم



هم گزارش شد اگرچه این میزان بسیار کم بود اما قابل چشم‌پوشی نبود، از این رو برنامه پایش آب برای یک دوره زمانی طولانی‌مدت در این منطقه در دستور کار قرار گرفت و نهایتاً برای آب شرب مردم نیز منبع دیگری پیشنهاد شد. رسوم اینکه در دو سایت هم آلودگی هوا به اورانیوم گزارش شد که باز هم مقدار آن ناچیز بود اما این فرضیه را قوت بخشید که این ذرات آلوده قابل نشر از طریق باد هستند. اما آنچه نگرانی‌ها را دامن در زمر مصرف‌سازمان ملل تأکید حاوی اورانیوم ضعیف شده در جنگ خلیج‌فارس و جنگ عراق بود. براساس گزارش برنامه محیط‌زیست سازمان ملل در سال ۱۹۹۱ حدود ۳۰۰ تن مهمات آلوده به اورانیوم توسط انگلستان و ایالات متحده و در سال ۲۰۰۳ حدود ۱۰۰۰ تن مورد استفاده قرار گرفت. سازمان ملل تأکید می‌کند یافته‌های این گزارش که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد اگرچه هشداردهنده نیست اما نقاط ابهام زیادی دارد و نیاز به تحقیقات بیشتری دارد تا مشخص شود که این آلودگی چه تأثیری بر محیط‌زیست و سلامت مردم داشته و دارد. از این رو با همکاری سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی برنامه‌ای برای مطالعات بیشتر در زمینه تأثیر اورانیوم بر

محیط‌زیست

برنامه محیط‌زیست سازمان ملل وجود «اورانیوم ضعیف شده» در بیابان‌های جنوب عراق را تایید کرد

حیوانات از جمله شتر و گوسفند را بسیار محتمل دانسته است. براساس این مطالعه مناطق بیابانی جنوب عراق همچنان آلوده به اورانیوم ضعیف شده است که بسته به میزان آلودگی و تماس انسان با آلودگی این امر می‌تواند پیامدهای سونی هم برای سلامت به دنبال داشته باشد.

نتایج مطالعات دانشگاه شهید چمران اهواز

علیرضا زرسوندی و بابک مختاری از اعضای هیات علمی دانشگاه چمران اهواز نیز در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به پدیده گرد و غبار در فضای شهرهای استان خوزستان» در مورد آلودگی این گرد و خاک عنوان می‌کنند: مسافتانه نتایج بررسی‌های انجام شده روی نمونه‌های زیادی از گرد و غبار موجود در شهر اهواز و خاک‌های نزدیک مرز ایران و عراق این آلودگی را تایید می‌کند. به عنوان مثال میزان عناصری مانند اورانیوم، توریم، آرسنیک، سرب، روی، نیکل و کبالت در این نمونه‌ها کمی بیشتر از میزان طبیعی آن است. نمونه‌های مورد آزمایش در سه بازه زمانی توسط دستگاه ICP-MS آنالیز شده‌اند. با توجه به استفاده مکرر سلاح‌های میکروبی، شیمیایی توسط رژیم صدام و استفاده آمریکا از سلاح‌های حاوی اورانیوم ضعیف شده، وجود این آلودگی‌ها تعجب‌زایدی برنمی‌انگیزد.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت نوع خاک این گرد و غبارهاست که بیشتر از دو نوع رسی و سیلتی (کوارتزی) است. خاک رسی سبک‌تر بوده و گرد و غبار ناشی از آن مسافت طولانی‌تری را طی می‌کند. گرد و غباری که در مناطق دور از خوزستان دیده می‌شود بیشتر از این نوع است. خاک بسیار بیشتر از خاک سیلتی (کوارتزی) است که دانه درشت‌تر دارند و قابلیت جذب سطحی آنها کمتر است. مطالعاتی که اخیراً توسط دو گروه تحقیقاتی خارجی انجام شده نشان می‌دهد که هر دو نوع ذرات علاوه بر پتانسیل بالا در جذب فلزات مانند آهن، مس، روی، سرب، کادمییم، نیکل، کبالت، توریم، آرسنیک و اورانیوم؛ در طول مسیر نیز می‌توانند سایر آلاینده‌های آلی و معدنی را جذب و به نقاط دورست منتقل کنند. از سوی دیگر در این مطالعات وجود میزان بالایی از باکتری‌ها و گرده گیاهان نیز گزارش شده است.

اما با فرض آلوده بودن این خاک‌ها به اورانیوم ضعیف شده، این ماده چه تأثیری بر سلامت انسان‌ها دارد؟ علاوه بر مشکلاتی که این ماده بر کبد و کلیه و سایر اندام‌های حیاتی انسان بر جای می‌گذارد، عموماً عنوان می‌شود که اورانیوم ضعیف شده اثر خود را در نسل بعد بر جای می‌گذارد که این امر بسیار خطرناک به نظر می‌رسد. روزنامه ساندی تایمز، طی گزارشی که به مناسبت نهمین سالروز اشغال عراق توسط آمریکا منتشر شده بود، از اثرات مخرب و نتایج فاجعه‌آمیز اورانیوم ضعیف شده روی مردم عراق به‌ویژه کودکان و نوزادان عراقی که نیروی دریایی ارتش آمریکا در جنگ با عراق از آن استفاده کرده خبر داده بود. در این گزارش آمده است: در پی استفاده ارتش آمریکا از اورانیوم ضعیف شده در حملات خود به عراق میزان عقب‌ماندگی نوزادان متولد شده در مناطقی که شاهد عملیات‌های نظامی آمریکا بودند، به بالاترین سطح خود رسید به حدی که از هر ۱۰۰۰ کودک عراقی، ۹۵ کودک دچار عقب‌ماندگی ذهنی و جسمی یا نقص عضو شدیدی هستند. این کودکان که اغلب با شکل و شمایل هولناک متولد می‌شوند به «کودکان هویلی» معروف شده‌اند.

پزشکانی که در بیمارستان عمومی شهر فلولجه مشغول به کار هستند، تأکید می‌کنند: پرونده‌های بی‌شماری از انواع عقب‌ماندگی که به دنیا آمدن کودکانی بی‌سر یا بدون عضو انسان در آن باشد، وجود دارد و همین امر زبان فکر جایی بسیار نگران کرده به گونه‌ای که بسیاری از آنها فکر بارداری را از سر بعد کرده‌اند. این در حالی است که در ۳۱ مارس ۲۰۰۴ فلولجه توان‌ان با سفر سدید و اورانیوم رقیق‌شده بمباران شد. با وجود مطالعات مختلف صورت گرفته توسط کارشناسان ایرانی، عراقی و سازمان ملل بنابراین دیگر جایی برای انکار و تکذیب وجود اورانیوم در ریزگردهای موجود در آسمان ایران وجود ندارد و تنها باید به فکر چاره‌ای برای کاهش اثرات سوء این آلاینده و البته اندازه‌گیری‌های دقیق‌تر در سایت‌های مختلف بود و گرنه تکذیب و منهم کردن رسانه‌ها و کارشناسان و حالا هم نمایندگان مجلس گمراهی از مشکلات‌باز نخواهند کرد.

وقتی که قیمت آش‌رشته و زولبیا و بامیه و نخود و لوبیا را با لشگری از بازارسان بر هر کوی و برزن کنترل می‌کنیم و منصوبه برای قیمت نان لواش و تافتون و بربری صادر می‌کنیم؛ بیاییم یکبار هم که شده بر چیزی قیمت بگذاریم که قیمت ندارد، چون وقتی از بین رفت دیگر به دست نماند. احمد، میلیاردها بدهید اگر توانستید یک ببر برای ما بزنند! ران زنده کنید. اگر توانستید شیر ایرانی را احیا کنید. اگر توانستید یک تالاب درست کنید. اگر توانستید زیبایی و شکوه و عظمت طبیعت را که حاصل میلیون‌ها سال تعادل و گردش طبیعی موجودات یک منطقه‌است، بازسازی کنید. یک مقدار از بودجه بیشتر را به حفاظت از نظرات بیشتری کنید بلکه از تهاجم این همه متجاوز بر رحم، بی‌فرهنگ و بی‌مروت قدری بکاهند. چرا چنین در برابر جلوگیری از نابودی طبیعت کشور مقاومت می‌شود؟ بیاییدگران کنید، لطف کنید قیمت نابودی و تخریب در حیات‌وحشی که تجدیدناپذیر است یک از ۱۰ لطفای پهای جان محیط‌بانان را هم گران کنید که چنین آسان هر تفنگ‌بدهستی آن را بگیرد و قامت دلاور آنان را چنین مظلومانه بر زمین نیندازد.

یکشنبه ۵ شهریور ۱۳۹۱

یادداشت

آموزش یا اجرای قانون کدامیک اولویت است؟

کوشان مهران

■ برای قرن‌ها سلسله‌کوه‌های پیرینه که از مدیترانه تا اقیانوس اطلس امتداد دارند مرز طبیعی دو کشور فرانسه و اسپانیا به حساب می‌امند. در حال حاضر گردشگران و طبیعت‌گردان در کنار بهره‌وری از مناظر زیبا شاهد پرواز عقاب باشکوه طلایی و شاهوای پیرینه در کوهساران هستند اما در روزگاران کهن این زیست‌بوم پذیرای گونه‌های دیگری نیز بوده است. تا سال ۱۸۷۰ آبییکس پیرینه به یکی از چهار زیرگونه آبییکس شبه‌جزیره ایبری است در بخش فرانسوی این کوهستان وجود داشت و در سال ۲۰۰۰ سلینا تنها بز ۱۲ساله بدون وارث و جاگیرین با مرگ خود به دلیل صاعقه، پرورنده این پادشاه کوهستان را بست. اسناد فنودلّی و بایگانی کلیساهای قرون وسطا حکایت از پراکندگی گسترده خرس در سرزمین فرانسه می‌کند ولی باکتراشسی جنگل‌ها برای افزایش زمین‌های زیرکشت و نیاز رو به گسترش سوخت صنایع به تدریج باعث عقب‌نشینی و در نهایت نابودی گونه‌های بزرگ‌جثته‌ای چون گلو‌وحشی اوروش، بیزون اروپایی، اسب وحشی تارپان و گوزن الک (موس) شد. برآورد شده که در دوران شارلمانی حدود ۸۰درصد فرانسه پوشیده از جنگل بود ولی این مقدار در اواخر قرن هیجدهم به تنها ۱۳درصد کاهش یافت و در زیستگاه‌های چون جنگل‌های مدیترانه‌ای (ماکی) جنوب فرانسه نسل شوکا در اواخر قرن هیجدهم نابود شد. آخرین گزارش‌های وجود خرس در سال ۱۹۳۰ آخرین گزارش مستند حکایت از نابودی خرس در قرن چهاردهم میلادی در مرکز فرانسه بازمی‌گردد. در سال ۱۸۴۸ نخستین پرورنده‌های شکار و محدودیت زمانی برای مدیریت گونه‌های شکارچی پسند چون گوزن سرخ، شوکا، خرگوش، کبک یاقمز و کبک چغل آواز شد ولی همزمان برنامه ریشه‌کن کردن گوشتخوارانی چون گرگ و سیاه‌گوش در هر استان به جدیت پیگیری می‌شد. در سال ۱۹۳۰ آخرین گزارش مستند حکایت از نابودی خرس در آلف فرانسه دارد و در دهه‌های نخست قرن بیستم جمعیت خرس در کوهستان‌های پیرینه فرانسه بین ۷۰ تا ۱۵۰ قاعده برآورد می‌شد. به تدریج در کنار بالارفتن ارزش وجودی گونه‌های گوشتخواری چون خرس میان افکار عمومی و تلاش چندین دهه پژوهشگران و طبیعت‌دوستان برای زدودن تدریجی رسوبات چندصدها دشمن‌انگاشتن خرس به‌وسیله دولتمردان و مدیران اجرایی در سال ۱۹۷۲ شکار خرس در فرانسه ممنوع و در سال ۱۹۷۹ در ردف گونه‌های حفاظت‌شده اعلام و در سال ۱۹۸۴ نخستین برنامه حفاظتی طرح‌ریزی شد. در سال ۱۹۸۰ برآورد شده بود که در پیرینه فرانسه تنها ۱۵ قاعده خرس بر جای مانده و با تاسف این تعداد در سال ۱۹۹۵ به تنها پنج قاعده کاهش یافت.

در اوایل قرن بیستم جمعیت خرس در رشته‌کوه‌های پیرینه به سه جمعیت مجزا کاهش یافته و فشار شکارچیان و به ویژه دامداران باعث قطع ارتباط افراد در این جمعیت‌های منزوی شده بود. اما پس از پژوهش‌های ژنتیکی میان نمونه‌های اروپایی کارشناسان به این نتیجه رسیدند که تنها راه پیشگیری از غلظتین این گونه به گرداب انقراض معرفی نمونه‌های اسلونیوی است و در ۱۹۹۶ تعداد سه قاعده خرس اسلونیوی در منطقه رهاسازی و در پایان سال ۲۰۰۵ این تعداد به دلیل زاد و ولد و به احتمالی آمیزش با آخرین نمونه‌های پیرینه‌ای تا ۱۴ تا ۱۸ قاعده افزایش یافتند ولی در سال ۲۰۰۶، پنج قاعده خرس اسلونیوی به دلیل تصادف و شکار فاجاییان از بین رفتند. با تمام تهدیدات و برنامه‌های حفاظتی و اطلاع‌رسانی با تاسف در تاریخ اول نوامبر سال ۲۰۰۴ آخرین ماده خرس اصیل پیرینه فرانسه به دست یک متخلف شکار شد و در حال حاضر گویا آخرین نمونه‌های اصیل خرس‌های پیرینه به حدود پنج یا شش قاعده در لکه جمعیت غربی در بخش اسپانیایی پیرینه است. در منطقه کوهستانی پیرینه دامباری و به ویژه پرورش گوسفند در کنار صنعت گردشگری یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد منطقه است. در برابر همایش‌های دوستداران پایدشت و احیای جمعیت خرس پیرینه شیابان و جوامع محلی نیز بیکار نشسته و همواره ر بی نشان دادن اعتراض خود به صرف زمان و هزینه برای نگهداری از موجود زنبایار و درنده‌ای به‌نام خرس هستند. هر چند دولت موظفه به پرداخت زیان‌های وارده به دامداران و باغداران خسارت‌دیده است و آنها را تبعیغ به استفاده از سگان گله بیشتر و حصارکشی بهتر باغ‌های کندولی این‌ها را با این وجود و تعامی تبلیغات و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی تغییر دیدگاه جوامع محلی به سادگی امکان‌پذیر نبوده و هرگاه برنامه‌ریزان تنها به امید تغییر دیدگاه منفی جوامع محلی تمام سرمایه و زمان خویش را مصروف برنامه‌های آموزشی (که در جای خود بسیار حیاتی است) کرده و بحث حفاظت فیزیکی از گونه و زیستگاه او را در رتبه‌های دوم و سوم قرار بدهند، آن زمان که جامعه محلی به نقطه تعالی نداشتن اهمیت هم‌زمانی مسالمت‌آمیز با خرس و گرگ و عقاب طلایی رسیده باشد دیگر نه از تاک چیزی بر جای بماند و نه از تاک نشان. مثلی است معروف که می‌گوید: جایی که عقاب بر پربرد، از پشه لاغری چه خیزد... هنگامی که در نواحی آلب و پیرینه فرانسه با وجود امکانات بی‌مانند آموزشی و فرهنگی هنوز چوپانان و شکارچیان به خون گرگ و خرس نشسته هستند چگونه می‌توان با چشم برستن بر حقایق چندهزارساله حاکم بر جزیره‌ای این کشور به عنوان برنامه‌های آموزشی و فرهنگی اندرکزمان و بودجه‌ناچیز را به بهای از دست رفتن گونه‌ها و تاراج و تخریب زیست‌بوم‌ها فلدا کرد؟ با توجه به موارد یادشده و درنظر داشتن تجربه فراف و فرد جمعیت خرس قهوه‌ای در کوهستان‌های پیرینه با کمال تأسف به این نتیجه خواهیم رسید که شرط بقا و پایدشت خرس و دیگر گونه‌ها (از سمستر تا گورخر) در گام نخست باید اجرای قانون و پایبندی مجرای قانون به اصول باشد و به هنگام ثبات نسبی گونه و زیستگاه باید به اندیشه آموزش اصولی آن هم با شناخت کامل جوامع افتاد.